

استخدام ۷۰ راننده خودروهای سنگین در هلال احمر

مدیران جمعیت هلال احمر، پانزدهم فروردین با حضور در سازمان امدادونجات از بخش‌های مختلف این سازمان بازدید کردند.

مهدی ولی پور، رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر، با اشاره به اینکه آزمون ایشار به دلیل شیوع کرونا و برخی مسائل حدود دو سال برگزار نشده بود، گفت: «این آزمون از حالت برگزاری کشوری که از سوی سازمان امدادونجات برگزار می‌شد، خارج شده و به صورت استانی و به بهترین شکل ممکن و با نظارت مربیان سازمان امدادونجات برگزار شد.»

رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر با بیان اینکه به لطف مجموعه هلال احمر و تلاش‌های بی‌وقفه دکتر همتی، رئیس جمعیت هلال احمر، دارندگان درجه ایشار در این جمعیت بکارگیری شدند، اضافه کرد: «یکی از بازخوردهای خوب در بازدیدهای نوری بکارگیری دارندگان درجه ایشار بود که امیدواریم استمرار پیدا کند.» او درباره تعیین تکلیف رانندگان خودروهای سنگین در استان‌ها افزود: «با مجوز صادر شده مقرر شده تا در هر استان دو نفر و در مجموع ۷۰ راننده برای خودروهای سنگین بکارگیری شوند که این افراد از میان نجاتگران دارای درجه ایشار و نجاتگران یک با سابقه بالای ۱۰ سال انتخاب می‌شوند.» ولی پور تأکید کرد: «با دستور دبیرکل جمعیت هلال احمر، برای نجاتگران کادر مستقر در پایگاه‌های هلال احمر حد اکثر امتیاز شغلی اعمال می‌شود.» او به دستورالعمل داوطلب فداکار خدمت اشاره کرد و افزود: «یکی از نیازهای جمعیت هلال احمر طرح داوطلب فداکار خدمت بود که محقق شد و در اسفند به تصویب رسید.» به گفته رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر دستورالعملی در زمینه درجه کارکنان سازمان امدادونجات در حوزه امداد تدوین شده است که به زودی تقدیم می‌شود. در زمینه اجرای آیین‌نامه‌های اجرایی مدیریت بحران با سازمان مدیریت بحران و با مجموعه دبیرخانه هیأت دولت در ارتباط هستیم.

او گفت: «دو مورد از سامانه‌های نرم‌افزاری تا هفته هلال رونمایی خواهد شد و تا پایان این هفته دوازده مورد از اولویت‌های کاری ما مشخص خواهد شد.» ولی پور با تأکید بر اینکه جمعیت هلال احمر در تولید چادر به استاندارد رسیده است، بیان کرد: «چادرهای هلال احمر ایران از چادرهای موجود در سایر کشورها سبک‌تر است.»

رئیس سازمان امدادونجات جمعیت هلال احمر خاطر نشان کرد: «هلال احمر با وجود راه‌اندازی همزمان مرکز کنترل، هماهنگی و فرماندهی سازمان امدادونجات هلال احمر، اورژانس و مدیریت بحران شهرداری، هنوز فضای فیزیکی EOC سازمان امدادونجات استاندارد لازم برای برابری فرماندهی عملیات ندارد.»

ضرورت هوشمندسازی انبارهای امدادی

دکتر مهربان شریفی سده، معاون توسعه منابع انسانی و پشتیبانی جمعیت هلال احمر، با اشاره به اینکه انبارهای امدادی این روزها به سمت انبارهای هوشمند پیش می‌رود، گفت: «این هوشمندی به مدیران عملیاتی کمک می‌کند که در کجا و به چه مقدار از موجودی انبارها استفاده کنند. هوشمندسازی انبارهای امدادی با استفاده از نرم‌افزار در اولویت کاری ما قرار دارد و لازم است در قالب فراخوان عمومی این نرم‌افزار از شرکتی معتبر با پشتیبانی خوب تهیه شود.»

تشکیل کمیته رسیدگی به شکایات امدادگران به نتیجه آزمون ایشار

معاون برنامه‌ریزی و آموزش‌های تخصصی سازمان امدادونجات از تشکیل کمیته رسیدگی به شکایات امدادگران به نتایج نهایی آزمون ایشار خبر داد و گفت: «امدادگران معترض تا روز هفدهم فروردین ماه جاری مهلت دارند تا مدارک و مستندات خود را به سازمان امدادونجات ارسال کنند.» دکتر حمیدرضا اسکاش با اشاره به اعتراض برخی امدادگران به نتایج نهایی آزمون ایشار گفت: «امدادگرانی که به نتیجه نهایی آزمون اعتراض دارند باید از طریق معاون امداد استان و با در جریان قراردادن نماینده اداره کل ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات در استان مستندات خود را به سازمان امدادونجات ارسال کنند.» او با تأکید بر اینکه کمیته رسیدگی به اعتراضات آزمون ایشار ۹۹ روزیست و یکم فروردین جاری تشکیل می‌شود، افزود: «امدادگرانی که به نتیجه آزمون اعتراض دارند تا روز هفدهم فروردین مهلت دارند که مدارک و مستندات خود را به سازمان امدادونجات تحویل دهند تا این مستندات پس از بررسی و دسته‌بندی در کمیته مورد رسیدگی قرار گیرد.» اسکاش افزود: «برای مستندات قابل قبول فرصتی اعلام می‌شود تا امدادگران مجدداً در آزمون مهارتی شرکت کنند؛ البته برگزاری این آزمون مهارتی قطعه‌به‌قطعه و وضعیت کرونایز بستگی دارد. در حال حاضر خیز چهارم کرونا در کشور در راه است و آزمون مهارتی بعد از رسیدن به شرایط ثابت آزمون برگزار خواهد شد.»

معاون برنامه‌ریزی و آموزش‌های تخصصی سازمان امدادونجات مجدداً تأکید کرد: «امدادگران معترض مدارک و مستندات مربوط به نتیجه نهایی آزمون ایشار از طریق معاونت امدادونجات استان با انجام مکاتبات و پیوست این مکاتبات و مستندات با محتوای اعتراض خودشان مثل شرایط سنی، بیماری و... تا روز هفدهم فروردین جاری به سازمان امدادونجات تحویل دهند.»



آموزش نقاشی به کودکان دارای اوتیسم در شیراز

دنیای رنگی اوتیسم با مادرانه‌های مریم

در اختیار فرزندم قرار دهم. وقتی دیدم بچه‌ها با نقاشی ارتباط خوبی برقرار کردند و شرکت در کلاس‌های نقاشی آزاد گذشته از هزینه‌های سرسام‌آور برای خانواده‌ها، آنها را با چالش برخورد با بچه‌ها روبه‌رو می‌کند، تصمیم گرفتم کلاس‌های آموزش نقاشی برای کودکان اوتیسم را برگزار کنم. با برگزاری این کلاس‌ها بچه‌ها توانسته‌اند سطح اعتماد به نفس‌شان را بالا برده و از طریق آن با اجتماع رابطه خوبی برقرار کنند. با یادآوری خاطرات خوشش با شاگردان کلاس نقاشی تن صدایش با خنده‌ای شیرین همراه می‌شود: «یکی از شیرین‌ترین لذت‌های زندگی برای من برقراری ارتباط با بچه‌های اوتیسمی است. من این ارتباط را به وسیله نقاشی برقرار می‌کنم و بچه‌ها اعتماد می‌کنند. با کمک همین رنگ‌ها و ارتباط‌های رنگی که با هم می‌گیریم با کمک خانواده‌ها شروع به افزایش حضور بچه‌ها در جامعه می‌کنیم؛ برای مثال نازی دختر نوجوانی بود که ماه‌ها طول کشید تا بعد از ارتباط با من در شهر حاضر شود و از پله برقی استفاده کند.»

جامعه‌پذیری تفاوت‌ها باشد

خاله مریم نگران است؛ نگران جامعه‌ای که هیچ‌گاه نمی‌خواهد پذیرای تفاوت‌ها باشد: «متأسفانه خیلی از خانواده‌های اوتیسم به علت نوع نگاه مردم از حضور در جامعه خودداری می‌کنند این در حالی است که بچه‌های اوتیسم بسیار بیش فعال بوده و باید در طول روز خارج از محیط خانه انرژی بسیار خود را تخلیه کنند.» شیرکوه که هم خود در طیف اوتیسم قرار دارد و هم فرزندش در این طیف است، تجارب خوبی از زندگی اوتیسمی دارد و می‌گوید: «کسانی که درگیر اختلال اوتیسم هستند اغلب در یک رشته هنری یا فکری یا حتی ورزشی ممکن است نخبه باشند. خانواده‌ها باید با بهادان به این استعدادها و هدایت آنها در مسیر درست آرایش را میهمان فرزندان‌شان کنند.» این تجربه‌ای است که او با کودک خودش داشته است: «من نه متخصص هستم، نه مشاور روانشناس. اما مادری هستم که عاشقانه برای آموزش بچه‌های اوتیسم وقت گذاشته‌ام و خوب می‌دانم این بچه‌ها چقدر نیازمند آموزش، صبر و حوصله مادران و پدران خود هستند. اوتیسم برای شناخته شدن در جامعه نیازمند تلاش همگان است. از رسانه‌ها گرفته تا فعالان اجتماعی و حتی خانواده‌ها. فضای مجازی فرصت خوبی است تا بتوانیم جامعه را با اوتیسم آشنا کنیم تا بچه‌ها بتوانند راحت‌تر در اجتماع حاضر شوند.» شیرکوه ۹۵ درصد آموزش‌ها را تا به امروز خودش به پسرش رایحه کرده و تمامی این تجارب را برای کمک به خانواده‌های دیگری به کار بسته است: «من به عنوان یک مادر نقاش با دل‌کنند از ۱۵ سال تدریس در دانشگاه، تمام زندگی خودم را در این حوزه متمرکز کرده‌ام و امیدوارم بتوانم گرهی از این خانواده‌ها باز کنم.»



قصه‌های رنگی برای بچه‌های اوتیسم

خاله مریم حالا معلم نقاشی تمام کودکان اوتیسمی علاقه‌مند به نقاشی در شیراز است و با مادرانه‌های رنگی می‌کوشد تا قصه زندگی این کودکان را طوری بگری روایت کند: «ایلیا کلاس پنجم بود که یک ورکشاپ آموزش نقاشی برای کودکان اوتیسمی در شیراز برگزار کردند. هر چند برای کودکان این دوره از من خواستند تا کار آموزش بچه‌ها را عهده‌دار شوم اما به علت شرایط جسمی و روحی که آن دوران درگیرش بودم، نپذیرفتم. وقتی در ورکشاپ حاضر شدم از نحوه برخورد مربیان با کودکان متعجب شدم. برگزاری دوره آموزشی گروهی برای کودکان اوتیسمی در این کارگاه برایم قابل باور نبود. کسی شناخت و درک درستی از کودکان اوتیسم نداشت. به همین علت این کارگاه بیش از آنکه به آموزش بچه‌ها منتهی شود به محلی برای درگیری بچه‌ها با مربیان تبدیل شده بود؛ بی‌اختیار وارد میدان شدم و با تعطیلی کلاس‌های گروهی از برگزارکنندگان ورکشاپ متوجه شدم بچه‌ها برای ارتباط با جامعه و حتی خانواده خود از زبان نقاشی کمک می‌گیرند.»

ترک تدریس در دانشگاه و آموزش نقاشی به بچه‌های اوتیسم

علاقه‌مندی بچه‌ها به نقاشی را که می‌بیند تصمیم می‌گیرد تدریس در دانشگاه را رها کرده و به آموزش نقاشی به بچه‌ها بپردازد: «من در سال‌های نخست برای آموزش فرزندم با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودم. هزینه بالای دوره‌های آموزشی، توانبخشی و... اجازه نداد تا بتوانم همه امکانات را

[فاطمه عسگری نیا] مریم شیرکوهی مادری چهل و هفت ساله است که هم خود در طیف اوتیسمی‌ها قرار دارد و هم فرزندش. شاید برای همین است که زندگی‌اش با اغلب خانواده‌های دارای فرزند اوتیسم فرق می‌کند؛ کسی که یاد گرفته زندگی کودک اوتیسمی‌اش را با نقاشی متعادل کند، رنگ ببخشد و حالا این نسخه را با توجه به تجاربی که کسب کرده برای دیگر مبتلایان که به نقاشی علاقه‌مندند می‌پیچد. قصه زندگی‌اش را با ترس پذیرش درگیری فرزندش با اختلال اوتیسم شروع می‌کند. ترسی که او را واداشت تا به هر نقطه‌ای که فکرش را می‌کند سرک بکشد تا زندگی را برای فرزندش آسان‌تر کند.

...

متولد اول مهر سال ۵۲ است. خاطرات کودکی‌اش به روزهایی برمی‌گردد که دوستان و هم‌سن‌وسالانش او را در بازی‌های گروهی راه نمی‌دادند و او همیشه دلش می‌خواست در این جمع دوستانه حضور داشته باشد: «ذهنم پر از این خاطره‌ها بود. حتی گاهی وقتی شب‌ها چشمانم را می‌بستم و یاد صورت مادرم می‌افتادم که از فاصله نزدیک چندین و چند بار یک کلمه را تکرار می‌کرد. هیچ وقت به ریشه این خاطره‌ها پی نبردم تا اینکه خودم مادر شدم. پسر یک سال و نیمه بود که فهمیدم او با هم‌سن‌وسالانش فرق دارد.» پسرش، ایلیا، صحبت نمی‌کرد به خاطر همین همه فکرمی‌کردند ناشناخت: «به توصیه مربیان مهد کودک او را نزد پزشک بردم. یکی از پزشکان همان سال‌ها درباره درگیری فرزندم با اختلال اوتیسم زمزمه‌هایی در گوشم کرد. اما من نپذیرفتم. برای اینکه به ضعف‌های پسر در صحبت کردن غلبه کنم به مراکز آموزشی، کتابخانه‌ها و کانون‌های پرورش فکری رفتم تا با انجام مطالعات کمک کنم که پسرم زودتر زبان باز کند. اما هر چه ایلیا بزرگ‌تر می‌شد به واقعیت نزدیک‌تر می‌شدم.»

کنار فرزندم متوجه اختلال اوتیسم خودم شدم

یک روز در حین آموزش و تکرار واژه‌ها به ایلیا، صحنه تکراری خاطره کودکی‌اش برایش زنده شد؛ تکرارهای مادر برای او؛ «این خاطره‌ها را برای پزشک ایلیا روایت کردم. آنجا بود که فهمیدم من هم در طیف اوتیسمی‌ها بودم و خودم نمی‌دانستم.» ایلیا حالا هفده ساله است و مادرش با پذیرش اختلال او همه تلاش‌ها را به کار گرفته تا بتواند همانند همه هم‌سن‌وسال‌هایش یک زندگی عادی داشته باشد: «ایلیا عاشق نقاشی بود؛ شاید چون من خودم مدرس نقاشی بودم و این علاقه ژنتیکی بود. اما پی برده بودم که پسرم با نقاشی آرام می‌شود و علاقی و استعداد هایش را بروز می‌دهد.»